

پدر کیان پیرفلک پس از 60 روز از بیمارستان مرخص شد

روایت سجاد پیرفلک از وضعیت جسمانی پدر «کیان»

۲۵ دی‌ماه، دقیقا ۶۰ روز شد که از جانباختن کیان پیرفلک کودک ۹ ساله ایزده‌ای در جریان اعتراضات این شهر می‌گذرد اما در این ماجرا فقط کیان نبود؛ پدرش میثم پیرفلک هم که در خودرو همراه مادر و برادر کوچک‌تر کیان حضور داشت، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و تا یکشنبه در بیمارستان بستری بود. او بخشی از این ۶۰ روز را در اهواز و سپس در تهران تحت مراقبت‌های پزشکی قرار داشت. سجاد پیرفلک عموی کیان و برادر میثم، در گفت‌وگو با «اعتمادآنلاین»، از روند درمان و وضعیت فعلی برادرش می‌گوید.



برادران میثم پیرفلک پدر کیان چگونه از ماجرای پسرش با خبر شد؟

میثم از همان اوایل نسبت به این موضوع که کیان گلوله خورده، یک ذهنیتی داشت. ولی از مرگ کیان کاملا بی‌اطلاع بود و ما به واسطه اینکه روی سلامتی‌اش تاثیر نگذازد، نگفته بودیم اما موضوع را برادر بزرگم که روانشناس هستند، با کمک گرفتن از همکارانش طی یک هفته به تدریج به میثم گفتند. خوشبختانه شوک خبر بد به سلامتی جسمی میثم آسیب جدی وارد نکرد اما روحیه میثم خیلی به هم ریخت و حدود

يك هفته هم به درمان مقاومت نشان مي‌داد. هنوز هم غم پریر شدن کيان روح و روانش را به سختي مي‌آزارد.

آسیب‌هاي وارده به برادران، به کدام بخش از بدن او وارد شد و چه اثراتي باقي گذاشته است؟

آسیب‌هاي میثم به دو آسیب خیلی بزرگ مربوط می‌شد؛ یکی آسیبی بود که به شریان زیر لگن وارد شده بود و پزشکان برای دسترسي و بستن آن شریان، مجبور شدند شکم او را باز کنند و با کنار زدن روده‌ها آن شریان را ببندند و بابت همین يك زخم خیلی بزرگ از بالا تا پایین شکمش ایجاد شد.

مورد دیگر زخمي است که بر اثر اصابت سه گلوله ایجاد شده، در ناحیه کمر میثم وجود دارد. در این زخم و زخم زیر لگن، چون گلوله‌ها از فاصله نزدیک شلیک شده‌اند، يك حالت غارمانند ایجاد کرده بود.

با انتقال به بیمارستان عرفان به مرور و آرام‌آرام زخم‌ها به سمت بهبودی رفت. الان زخم‌هاي کمر از دو طرف باز هستند و کامل بسته نشده‌اند اما خیلی بهتر شده و رو به بهبود است. اما زخم لگن هنوز باز است اما خدا را شکر از ناحیه زخم‌ها عفونتي ندارد.

موضوعي که خطر جاني برای میثم داشت و او را تهدید می‌کرد، عفونت مغزي یا همان مننژیت مغزي بود که از زمانی که در بیمارستان اهواز بود، دچار این مشکل بود.

ما الان ۴۲-۴۳ روز است که تهرانیم و ۱۷ روز هم اهواز بودیم و در کل ۶۵ روز است که بستري است. تا ۱۰-۱۵ روز پیش، میثم آنتی‌بیوتیک‌هاي مربوط به مننژیت مغزي را دریافت می‌کرد که فوق‌العاده هم گران بودند و کمیاب. مردم برای پیدا کردن دارو خیلی به ما کمک کردند و همدلي زیادی با ما داشتند. چون این داروها مثلا در کل ایران يك یا دو جا آنها را داشت و خیلی‌ها به ما کمک کردند. از ابتدای اتفاق آنچنان از سوي مردم با ما همدلي شد و حس انسان‌دوستانه‌اي بین هموطنان دیدیم، باعث شد این همدلي را نسبت به قضیه‌اي که برای ما اتفاق افتاد و مسائل پیراموني آن، بالاتر ببینیم. نکته اضطراب‌آور ادامه درمان هست که متاسفانه بسیار پرهزینه، طاقت‌فرسا و طولانی‌مدت است، امیدوارم همدلي مردم و تلاش متخصصین بتواند کمک شایانی به سلامتی جسمي و رواني میثم کند. در اهواز، بیمارستان دولتي گلستان بودیم. پرسنل آنجا در حد امکاناتي که داشتند، زحمات بسیاری کشیدند؛ پزشکان و کادر بیمارستان انسان‌هاي شریفی بودند که خیلی به ما کمک کردند.



در حال حاضر برادر شما امکان تحرك و راه رفتن دارد؟

طبق گزارش پزشكان متاسفانه يكي از گلوله‌ها به قسمت ساكرال (قسمت تحتاني ستون فقرات) وارد شد و آسيب بسيار جدي به اعصاب آن ناحيه وارد کرده به طوري که اعصاب مربوط به اندام‌هاي تحتاني آسيب كاملا جدي ديده‌اند و علاوه بر آن مهره‌هاي ۴ و ۵ كمري هم در اثر گلوله شكسته شده‌اند و ميثم عملا توانايي حركتي از ناحيه پايين‌تنه ندارد و حتي نمي‌تواند بنشيند يا بايستد. پزشكان اصطلاح پاراپلزي را براي مشكل حركتي ايشان به كار برده‌اند.

اين وضعيت موقت است يا دايمي؟

معلوم نيست هنوز و مبهم است. پزشكان گفتند با پيگيري كار درماني پيشرفته و در درازمدت، ممكن است تغييری ايجاد شود و با كمك بريس و ساير وسايل كمكي بتواند بايستد. ولي ما خودمان اميدواري زيادي داريم. اما شرايط فعلي‌اش اين است كه در حالت درازكش است و به سختي و با كمك از اين پهلو به آن پهلو ميشود.

البته به گفته پزشكان، ميثم بايد تعدادي عمل جراحي تكميلي ظرف يكسال يا دو سال آينده انجام بدهد؛ مانند عمل ترميمي شكم و لگن... و احيانا عمل سر. به دليل اينكه تا الان حدودا ۱۴ بار بيهوشي گرفته است و بدنش بسيار ضعيف شده، فعلا شرايط اين جراحي‌هاي سنگين را ندارد.

برنامه‌تان بعد از ترخيص چيست؟

يك محلي است كه به صورت مراقبت خانگي ولي نزديك بيمارستان؛ تا در صورت لزوم بتوان به آنجا مراجعه كرد. چون پزشكان معتقد بودند كه بستري طولاني‌مدت در بيمارستان ممكن است ميثم را در معرض عفونت قرار دهد به همين دليل بايد به محيط خانگي منتقل ميشد و همراه با پرستار و مراقبت تحت نظر باشد و كارهاي فزيوتراپي را انجام دهد.

مادر كيان در اين مدت همراه پدر كيان بودند؟

همسر ميثم الان همراهش نيست چون رادين ۵ ساله را دارند و نگهداري از او در اينجا سخت بود. همچنين اينكه ايشان چون معلم هستند بايد به سر كار برمي‌گشت.

كار برادران چه بود؟

میثم هم روی ماشین شخصی گاهی مسافرکشی می‌کرد و البته کار اصلی‌اش کارگری بود.

آیا مقام دولتی یا وزارتخانه و نهادی برای تهیه داروها کمک کرد؟

وقتی از دارو صحبت می‌کنیم، دارو خارجی است و در بازار قاچاق و دست دلالان، در تهران که بودیم درخواستی از دولت برای کمک نکردیم و دولت هم اشتیاقی نشان نداد. نه ما درخواستی دادیم و نه آنها اقدامی کردند.

موردی که ما دیدیم، همکاری مسوولان بیمارستان عرفان سعادت‌آباد بود که خیلی زحمت کشیدند.

آقای دکتر سهرابی معاون وزیر بهداشت همان اوایل آمد و گفت که ما برای کمک آمدیم. من هم لیست داروهای میثم را که ساخت فایزر و اسپانیا و... بود، نوشتم و به او دادم و گفتم اگر می‌خواهید کمکی کنید این داروها را برای ما پیدا کنید که رفتند و دیگر سراغی از ما نگرفتند.

در این مدت از دولت یا نهادهای دیگر برای کمک در زمینه کمک به درمان میثم به شما مراجعه کردند؟

بیشترین هزینه ما، هزینه دارو بود که قسمت زیادی از آن هم از طریق خودمان، دوستان، فامیل و... تهیه شد. اما هیچ کمکی از هیچ نهاد دولتی و غیردولتی نگرفتیم.

غیر از معاون وزیر بهداشت، مقام دیگری به دیدن شما نیامد؟

در تهران خیر اما در ایزه که بودیم، از طرف بنیاد آمدند ولی ما رد کردیم و هرگونه کمکی از طرف دولت را منوط به شناسایی قاتل کیان کردیم. البته همان زمانی که اهواز بود برخی مسوولان مانند آقای محسن رضایی به عیادتش آمد و میثم شرح حادثه را مو به مو آنچنان که دیده بود به ایشان گفت.

واکنش رضایی چه بود؟

طبق آنچه میثم به من گفت، آقای رضایی برآشفته و عصبانی شد.

قول و اقدامی صورت گرفت یا فقط برآشفته شد؟

هیچ قول و اقدامی نبود. شاید چون خود آقای رضایی بختیاری است، همدلی کرد ولی اینکه بخواهد اقدامی یا پیگیری‌ای کند، تا به حال، خیر. ایشان در جریان هست چون خودش هم بعد از آن درباره ماجرا پرسوجو کرده بود.

موضوع هزینه‌های بیمارستان قرار است چگونه باشد؟

بحث‌های هزینه‌ای میثم در بیمارستان بسیار سرسام‌آور بود اما با این وجود، پزشکان از دستمزد خود صرف‌نظر کردند و بیمارستان هم بابت بستری و خدمات بیمارستانی هزینه‌ای دریافت نکرد. بیمارستان عرفان

شرایط بسیار خوبی برای میثم ایجاد کرد و حتی ما فکر نمی‌کردیم روند درمان میثم تسریع شود. بیشترین حرف ما تشکر و قدردانی از مسوولان و کادر درمانی بیمارستان عرفان است. آقای دکتر فنایی رییس هیات‌مدیره، دکتر فتاحی رییس بیمارستان و دکتر بهارمست مدیر اجرایی بیمارستان زحمات زیادی کشیدند. همچنین پزشکان محترمی مانند دکتر ریحانی، دکتر حسن رضامحمدی، دکتر پورآذری، دکتر شیرمرد و دکتر آذرپیکان، خانم دکتر جمشیدی، دکتر منگوری، دکتر میرزاده، دکتر کیانی، دکتر رجبی، دکتر ارولوژی، کادر پرستاری، بهیاری، دکتر دهقان‌زاده کلینیک زخم، کلینیک فیزیوتراپی، حراست بیمارستان، خدمات و کلیه پرسنل، بخش آی‌سی‌یو، جنرال و بخش بستری، شرکت پرستار خصوصی و کلیه مجموعه بیمارستان عرفان زحمات بسیاری متحمل شدند و بسیار همدلانه به ما کمک کردند. از لحاظ امکانات و مراقبت و جمیع‌جهات يك استاندارد بالایی بود که در اختیار ما قرار دادند و مجدداً تشکر و قدردانی می‌کنیم.

منبع: روزنامه اعتماد 26 دی 1401 خ